

## عنوان مقاله:

پیشنهادی درباره تصحیح و قرائت دو واژه از کارنامه اردشیر بابکان بر پایه قرینه ای در شاهنامه فردوسی

## محل انتشار:

فصلنامه جستارهای نوین ادبی، دوره 51، شماره 1 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 12

## نویسنده:

چنگیز مولایی - دانشگاه تبریز

## خلاصه مقاله:

یکی از نمودهای عینی و تظاهر مادی فرّه شاهی در کارنامه اردشیر بابکان، تجلی آن در قالب حیوانی فربه و نیکو است که لفظ دال بر آن در متن کارنامه (فصل 3 بندهای 11، 15-16 و 22-23) به صورت جی ضبط شده است. درباره معنی واژه محققان تقریباً اتفاق نظر دارند و آن را «قوچ» معنی می‌کنند؛ اما در قرائت آن همداستان نیستند. اغلب پژوهشگران به پیروی از آنتیا آن را به صورت +اجی تصحیح کرده و warrag خوانده‌اند؛ اما این لفظ در متون پهلوی و در متن‌های فارسی در معنی «قوچ» استعمال نشده است. در شاهنامه فردوسی به هنگام ذکر اخبار اردشیر بابکان در برابر آن لفظ فارسی «غرم» آمده است که به معنی «قوچ کوهی» است؛ بنابراین به نظر می‌رسد املای مذکور پهلوی نیز باید لفظی به همین معنی باشد. با توجه به معادل واژه مورد بحث در شاهنامه و بر اساس شواهد و قراینی که در متن مقاله ارائه خواهد شد، احتمال می‌رود که واژه مذکور با اسقاط حرف ا که امری معمول در خط پهلوی است، تصحیفی از +جای باشد. املای پیشنهادی اخیر را می‌توان rang خواند و «بز کوهی، میش کوهی» معنی کرد. واژه «رنگ» به همین معنی در متون نظم و نثر فارسی، به‌ویژه در متون قرن‌های چهارم و پنجم هجری فراوان به کار رفته است. املای پهلوی غجاج را که در کارنامه (فصل 9 بند 11) در بیان تجلی آذر فرنیغ به شکل پرنده، استعمال شده است، مصححان و گزارندگان کارنامه و اخیراً فرانتس گرنه در متن ویراسته خود xrōs خوانده‌اند. این قرائت گر چه غیر ممکن نیست، اما چندان متناسب با املای واژه به نظر نمی‌رسد. واژه را به سهولت می‌توان \*lwh حرف‌نویسی کرد و āluh خواند که به معنی «عقاب» است و در فارسی نیز به صورت «آله» باقی‌مانده و از ایرانی باستان \*ardifya- راست‌پرواز»، (اوستایی -ərəziifia، سنسکریت -rjipyá -) مشتق شده است.

## کلمات کلیدی:

فرّه شاهی، بزّه، قوچ، غرم، رنگ، آذر فرنیغ، خروس، آله

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1172366>

